

ادب عربی، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹



10.22059/jalit.2020.263664.611956

Print ISSN: 2382-9850/Online ISSN: 2676-7627

<http://jalit.ut.ac.ir>

Locales and Their Implications in the Poetry of Yahya al-Samawi

Mehdi Shahrokh*

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Mazandaran

Hamideh Faghih Abdollahi

M.A. Graduate in Arabic Language and Literature, University of Mazandaran

Received: August 12, 2018; Accepted: April 21, 2020

Abstract

Locale is one of the most important elements of poetry. In resistance literature, places have different semantic functions, depending on the emotions of the writer towards those places. These places are sometimes reminiscent of nostalgic childhood memories and a relief from the current pain and alienation, and sometimes express the poet's intense interest in or hatred for the characters or events that are related to these places. Because resistance poets reflect the actual events of their lives and societies, and as they themselves have deeply felt the difficulties of resisting oppression and tyranny and have faced the difficulties of exile and persecution, the element of locale is prominent in their poetry. Yahya al-Samawi, a contemporary Iraqi poet, was one of the pioneers of Arabic poetry and one of the members of the Intifada in southern Iraq against the Baathist regime in 1991. Since then, as a result of his political stance, he has lived far from his homeland in exile. His experiences during the Iraqi Baath regime and his emigration followed by the occupation of Iraq by Americans led al-Samawi to pay special attention to Iraq and its cities. Therefore, the element of place is of great importance in his poetry. He consciously makes use of places in his poems to express different feelings such as love, homesickness, hatred, and praise, to recall his good memories and heal his pains, and to resist the oppressors and liberate his homeland. Therefore, this paper adopts a descriptive-analytical method to examine this element and its implications in his poetry.

Keywords: Semantic function, Locale, Yahya al-Samawi, Resistance literature, Contemporary Arabic poetry.

*. Corresponding author: m.shahrokh@umz.ac.ir

مکان و کارکردهای معنایی آن در اشعار یحیی سماوی

مهدی شاهرخ*

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه مازندران

حمیده فقیه عبداللهی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه مازندران

(از ص ۱۲۱ تا ص ۱۴۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۲

چکیده

مکان یکی از مهم‌ترین عناصر کلی شعر است که عناصر دیگر شعر در آن نهفته و نزد بسیاری از شاعران حضوری قوی دارد، به طوری که بخشی از زندگی آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است. شاعران مقاومت با توجه به این عنصر، علاقه زیادی به بهره‌گیری از آن در اشعار خود نشان داده‌اند که این امر، تا حدود زیادی به عواطف و احساسات‌شان نسبت به آن مکان خاص و یا شناخت آن‌ها نسبت به هویت ملی‌شان ارتباط دارد. زیرا شعر شاعران مقاومت بازتاب حوادث واقعی زندگی و جامعه آن‌ها بوده و چون خودشان دشواری‌های ناشی از مقاومت در برابر ظلم و استبداد را از عمق جان درک کرده و با دشواری‌های تبعید و تعقیب و جایجایی مداوم روبرو بوده‌اند، عنصر مکان در شعرشان جایگاه برجسته‌ای دارد، یحیی سماوی شاعر معاصر عراقی، از پیشگامان شعر عربی و یکی از رزمنده‌های انتفاضه مردم جنوب عراق علیه نظام بعثی در سال ۱۹۹۱م بود که از آن زمان تاکنون در نتیجه موضع سیاسی خود، سال‌ها در تبعید و به دور از میهن خود زیسته است، از همین جهت مکان در شعر وی از اهمیت بالایی برخوردار است. این پژوهش با تکیه بر روش وصفی-تحلیلی، به بررسی مکان و کارکردهای معنایی آن در شعر شاعر مقاوم عراقی، یحیی سماوی می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که یحیی سماوی که از بارزترین شاعران معاصر عربی است، اهتمام ویژه‌ای به مکان داشته و این عنصر مجموعه‌های شعری سماوی را از وجوه مختلفی تحت تأثیر قرار داده است. حضور شاعر در دوران حکومت بعث عراق در میهنش و مهاجرت از آن و سپس اشغال عراق توسط آمریکایی‌ها، سبب گردید سماوی توجه ویژه‌ای به عراق و شهرهای آن داشته باشد. هدف یحیی سماوی در اشاره به این مکان‌ها، کارکردهای مختلفی چون ابراز عشق، دلتنگی، نفرت و مرثیه‌سرایی برای آن‌ها، بوده و تلاش کرده است تا از این طریق هویت ملی و عواطف و احساسات شخصی‌اش را به تصویر بکشد.

واژه‌های کلیدی: کارکردهای معنایی، مکان، یحیی سماوی، شعر مقاومت عراق، شعر معاصر عربی.

۱. مقدمه

حضور مکان در شعر شاعران مقاومت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و شاعران با تکیه بر قوه خیال خود از مکانی سخن می‌گویند که خاطراتشان در آن شکل گرفته است و ذکر این اماکن و به یاد آوردن آن خاطرات در شعر سبب تسلی خاطرشان می‌شود تا از این طریق بتوانند از شدت درد حاصل از فراق و دوری از مکان مورد نظر بکاهند و بدین وسیله غم و شادی‌ای را که بر آن‌ها گذشته است، به خواننده انتقال دهند و با انتقال عاطفه و احساس خود، مخاطب را در این زمینه با خود هماهنگ و هم‌رأی سازند. البته ضعف و شدت بیان خاطرات و حوادث و نیز انتقال آن به خواننده، به ارتباط شاعر با آن مکان خاص بستگی دارد، چرا که ارتباط شاعران با مکان‌ها ابعاد متعدد واقعی، خیالی و وهمی دارد. شاعر در مکانی واقعی زندگی می‌کند اما ممکن است در دنیای شعری‌اش به ستایش مکانی دیگر بپردازد. بنابراین در اینجا مکان حاصل شناخت فرهنگی بوده که شاعر در این مکان، حضور و وجودی برای خود قائل است، گویی که در آن مکان شعری زندگی می‌کند (الثبیتی، ۱۹۹۲: ۱۰). شاعر ممکن است آنقدر در مکان شعری خود غوطه‌ور شود که حتی نوعی بعد جغرافیایی برای آن در نظر بگیرد و ضمن بیان احساساتش به آن مکان، خاطرات، دردها، آرزوها، شادی‌ها، غم و اندوه‌هایش را به تصویر بکشد. این موضوع برای شاعران مقاومت هم صادق است. این شاعران با بیان انواع مکان در شعر خود به دنبال هدفی هستند و با توجه به این مقاصد و نگرش‌های خود، عنصر مکان را در ترکیب شعری خود در می‌آمیزند. از همین‌روست که مکان نقش مهمی در ساختار شعر شاعران مقاومت و جنگ‌زده دارد. زیرا شاعر مقاومت در سایه‌سار مکان به سر می‌برد و همین حالت وی موجب برجسته شدن عناصر مکان در کنار دیگر عناصر شعری وی می‌شود.

از آنجا که شعر شاعران مقاومت بازتاب حوادث واقعی زندگی و جامعه آن‌ها بوده و خودشان از نزدیک شاهد رویدادهای جنگ بوده و دشواری‌های آن را از عمق جان درک کرده‌اند و مکان برای آن‌ها در حکم یک تجربه واقعی است بهره‌گیری از عنصر مکان در شعرشان واقعی‌تر است و همین از جنبه‌های تخیلی آن تا حدّ زیادی کاسته است، زیرا حاصل رنج‌ها و دشواری‌ها و غم و اندوه آن‌ها و به عبارت دیگر، برآمده نگرش و اشتیاق آن‌ها به مکان است. این نوع مکان قوه تخیل را برانگیخته و آن را وادار می‌کند تا آن مکان خاص

را چونان مقوله‌ای ویژه و متفاوت به تصویر بکشد (غالب، ۱۹۸۹: ۹). حضور واقعی شاعر در گذشته در این اماکن خاص و به تصویر کشیدن خیالی آن در شعر در زمان حال، سبب می‌شود شاعر دوباره خود را در آن مکان تصور نماید و از این طریق، به هدف اصلی خود که همان هم‌رأی کردن مخاطب با خود است، برسد و تصویری از حقایقی که به چشم دیده، برای خواننده مجسم کند که خواننده نیز در همان فضاهای واقعی قرار بگیرد. بنابراین این عنصر در شعر شاعران مقاومت، عاملی برآمده از نگرش‌ها، خیال و غم و اندوه‌های شاعر و ابزاری برای بیان دیدگاه‌ها و اهداف این شاعران است.

نگارندگان این پژوهش به منظور پی بردن به چگونگی بازتاب عنصر مکان و تفسیر آن در اشعار شاعر مقاومت، یحیی سماوی تلاش کرده‌اند تا جایگاه عنصر مکان را در شعر وی بررسی کرده و کارکردهای معنایی آن را بیان نمایند، زیرا از آنجا که سماوی از شاعران برجسته ادبیات مقاومت عراق است، نگاه ویژه‌ای به مکان و کارکردهای آن در شعر خود داشته است.

۱-۱. شیوه، هدف و سؤالات پژوهش

هدف این مقاله ارائه تصویری واضح از جلوه‌ها و کارکردهای معنایی عنصر مکان با توجه به عوامل به کارگیری آن در شعر سماوی از خلال بررسی نمونه‌هایی از اشعار وی است. لذا این پژوهش قصد دارد به این سوال‌ها پاسخ دهد:

- اماکن پربسامد و بااهمیت در شعر سماوی کدام است و چه عواملی سبب بروز عنصر مکان در شعر یحیی سماوی گردیده است؟
- مهم‌ترین کارکردهای معنایی اماکن پربسامد در شعر سماوی چیست؟

۲-۱. پیشینه و ضرورت انجام پژوهش

تاکنون برخی بررسی‌ها روی اشعار وی در قالب کتاب، رساله و مقاله صورت گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

الف) رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها: پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی تطبیقی عشق در اشعار یحیی سماوی و احمد عزیزی» نوشته سامان خانی، ۱۳۹۴، دانشگاه رازی کرمانشاه، که به

بررسی تطبیقی درون‌مایه عشق در اشعار یحیی سماوی و احمد عزیزی پرداخته است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد «وام‌گیری از قرآن کریم در دیوان‌های شاهده قبر من رخام الکلمات و نقوش علی جذع نخلة اثر یحیی السماوی» نوشته فاطمه رجبی، ۱۳۹۲، در دانشگاه رازی کرمانشاه، که نویسنده در این پژوهش وام‌گیری‌های چندین تن از ادبای معاصر از جمله یحیی سماوی را بررسی کرده است. پایان‌نامه «جلوه‌های مقاومت در اشعار یحیی سماوی» نوشته رضا حیدری، ۱۳۹۲، دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) تهران، که نویسنده به تحقیق جلوه‌های مقاومت در اشعار سماوی پرداخته است. رساله دکتری *توظيف الموتيف في شعر یحیی السماوی نوشته رسول بلاوی*، ۱۳۹۱، دانشگاه فردوسی مشهد، که به بررسی فن ادبی موتیف در شعر یحیی سماوی پرداخته است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد «دراسة أسلوبية فی شعر یحیی السماوی» نوشته بهنام باقری، ۱۳۹۰، دانشگاه رازی، که نویسنده در این پژوهش به بررسی عناصر سبک‌شناسی در دیوان *نقوش علی جذع نخلة یحیی سماوی* پرداخته است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بازتاب مفاهیم مقاومت در اشعار یحیی السماوی» نوشته لیلا جباری، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

ب) کتاب‌ها: *إشکالية الحداثة في شعر الرضا والرثاء: یحیی السماوی نموذجاً* نوشته حسین سرمک حسن؛ *الشعر العراقي في المنفى السماوی نموذجاً* نوشته فاطمة القرني؛ *تجربة العشق والاعتراب في دیوان قلیلک لا کثیرهن* نوشته محمد جاهین بدوی، که هر سه به بررسی نگرش شعری و ابعاد تجربه روانی سماوی پرداخته‌اند. *تجلیات الحنین في تکریم الشعراء یحیی السماوی* نوشته ماجد الغرباوی؛ این کتاب شامل ابواب مختلفی است، از جمله مطالعات نقدی، مقالات و دیدگاه‌ها و برداشتها، گفتگو با شاعر که ۸۰ سؤال گوناگون در آن مطرح شده است. *موحیات الخطاب الشعري، دراسة في شعر یحیی السماوی* نوشته عصام شرتح؛ این کتاب تلاش دارد تجربه شعری سماوی را بیان کرده و از طریق بررسی متون شعری وی، اعماق ناشناخته اشعار وی را واکاوی نماید.

ج) مقالات: «استدعاء شخصية الإمام الحسين (ع) في شعر یحیی السماوی» نوشته رسول بلاوی و مرضیه آباد؛ این مقاله فراخوانی شخصیت امام حسین و معانی آن را در شعر سماوی بررسی کرده است. «اشغالگری در شعر امروزیین عراق (از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۰م)»

نوشته علی نظری و دیگران؛ نویسندگان در این مقاله به بررسی ادبیات مقاومت عراق در سال‌های تحت اشغال آمریکا و انگلیس پرداخته و سعی کرده‌اند تلاش‌های شاعران عراقی از جمله یحیی سماوی را برای بیان چهره واقعی اشغالگران و خیانت‌های آنان را برای چپاول نفت و میراث سرزمین عراق بیان دارند. «التناس القرآني في شعر يحيى سماوي» نوشته بلاسم محسنی که بینامتنی قرآنی را در شعر یحیی سماوی بررسی کرده است. «توظيف الفكاهة في شعر المقاومة المعاصر شعر يحيى السماوي أمودجاً» نوشته فاروق نعمتی که به بررسی طنز در شعر مقاومت معاصر پرداخته و تکیه وی بر اشعار یحیی سماوی بوده است. «دلالات الألوان في شعر يحيى السماوي» نوشته مرضیه آباد و رسول بلاوی که به معناشناسی رنگ‌ها در شعر یحیی سماوی پرداخته است. «عناصر الموسيقى في ديوان نقوش علي جذع نخلة ليحيى السماوي» نوشته یحیی معروف و بهنام باقری؛ این مقاله انواع موسیقی، به خصوص موسیقی بیرونی و درونی اشعار سماوی را بررسی کرده است. «موتيف ابوذر غفاري در شعر يحيى سماوي» نوشته مرضیه آباد و رسول بلاوی که موتیف شخصیت اسلامی ابوذر غفاری، صحابه پیامبر (ص) را در شعر سماوی مورد پژوهش قرار داده است. «موتيف استدعاء الشخصيات التراثية في شعر يحيى السماوي» نوشته رسول بلاوی، علی خضری و مرضیه آباد که به بررسی موتیف فراخوانی شخصیت‌های تاریخی در شعر سماوی پرداخته است. «موتيف الاغتراب في شعر يحيى السماوي» نوشته رسول بلاوی و مرضیه آباد، عباس طالب‌زاده و عباس عرب، که موتیف احساس غربت را در شعر یحیی سماوی مورد واکاوی قرار داده است. «موتيف رود و دريا در شعر يحيى سماوي» نوشته رسول بلاوی و مرضیه آباد که موتیف دو عنصر رود و دریا را در شعر یحیی سماوی بررسی کرده است. «نقد جامعه اشغال شده عراق در شعر يحيى سماوي» نوشته محمد اعتمادی و مراد علی ولد نیک که به بررسی ویژگی‌های جامعه اشغال‌شده عراقی و بازتاب آن در شعر یحیی سماوی پرداخته است. «نقش قرآن و ميراث ديني در اشعار استعمارستيز يحيى سماوي» نوشته مهین حاجی‌زاده و محدثه ابهن که تأثیر قرآن و فرهنگ دینی را در اشعار یحیی سماوی، به ویژه اشعار سیاسی وی در مبارزه با استعمارگران غربی بررسی کرده است. «يحيى سماوي مظهر أمريكاستيزي در شعر معاصر عراق» نوشته عبدالأحد غیبی و لیلا جباری؛ در این مقاله به بررسی ادبیات مقاومت عراق و زندگی‌نامه

یحیی سماوی و بررسی و تحلیل اشعار آمریکاستیز سماوی در قالب افشاگری، انتقاد و اعتراض پرداخته است. «استدعاء المذن فی شعر یحیی السماوی» نوشته رسول بلاوی و مرضیه آباد که تأکید می‌کند یحیی السماوی از برجسته‌ترین شاعران معاصر، توجه ویژه‌ای به شهر داشته و سپس به بیان فراخوانی‌ها و نموده‌های برخی شهرها در شعر سماوی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که هر یک از این شهرها بیانگر نماد و تمثیلی در پیشبرد اهداف و بیان احساسات شاعر است.

با وجود همه پژوهش‌هایی که تاکنون به بررسی اشعار یحیی سماوی پرداخته‌اند، کارکردهای معنایی مکان در شعر یحیی سماوی چه در قالب رساله و چه در قالب مقاله بررسی نشده است. در این میان مؤلفان مقاله «استدعاء المذن فی شعر یحیی السماوی» به برخی اسامی شهرها که در اشعار وی به کار رفته است، اشاره‌ای داشته‌اند؛ اما کارکردهای معنایی این شهرها را به طور خاص در شعر وی مورد بررسی قرار نداده‌اند.

۲. زندگی و شعر یحیی سماوی

یحیی عباس عبود السماوی در ۱۶ مارس ۱۹۴۹ در شهر سماوه عراق چشم به جهان گشود. وی از پیشگامان شعر عربی است که خیلی زود به سرایش شعر پرداخت. وی بعد از گذراندن دوران ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۹۷۴ توانست از دانشکده ادبیات دانشگاه المستنصریه عراق فارغ‌التحصیل شود و در عرصه تدریس و روزنامه‌نگاری و رسانه به کار مشغول گردد. او در سال ۱۹۹۱ یکی از رزمنده‌های انتفاضه مردمی علیه نظام صدام حسین بود (القرنی، ۲۰۰۸: ۲۹-۳۰). وی در نتیجه مشارکت در انتفاضه شیعی سال ۱۹۹۱ در عراق، از سوی بعثی‌های عراق مورد تعقیب و پیگرد قرار گرفت. اما در نتیجه ظلم و استبداد نظام دیکتاتوری صدام حسین در سال ۱۹۹۱ از عراق به عربستان گریخت و تا سال ۱۹۹۷ مقیم جده شد (بدوی، ۲۰۱۰: ۱۱) و در آنجا در عرصه تدریس و مطبوعات به کار مشغول بود تا اینکه به استرالیا مهاجرت کرد و تاکنون مقیم آن کشور است (الغرباوی، ۲۰۱۰: ۱۵۵).

۳. بازتاب مکان در شعر یحیی سماوی

آگاهی شاعران عرب نسبت به اهمیت مکان در شعر عربی قدمتی دیرینه دارد. «شاعران عرب از عصر جاهلی به اهمیت مکان در ساختار قصیده و تشکیل تصویر شعری پی بردند، لذا می‌بینیم که بر اطلال و خرابه‌های یار ایستاده و با به یاد آوردن خاطرات و سرزمین‌ها و منزلگاه‌های معشوق، ناله سر می‌دادند، زیرا این مکان‌ها معانی روحی روانی و درونی خودش را روی احساسات و مشاعر آنان داشت» (معروف و باقری، ۱۴۳۶: ۳۳۶).

در این میان شاعران معاصر عرب نگاه ویژه‌ای به مکان داشته و کارکردهای معنایی متفاوتی از آن‌ها اراده کرده‌اند. سماوی از برجسته‌ترین شعرای عصر جدید است که در شعر خود به عنصر مکان توجه ویژه‌ای داشته است. مکان در شعر سماوی یکی از عناصر اصلی شعر او به شمار می‌رود که عناصر دیگر شعری در آن گنجانیده شده است. حضور مکان در شعر شاعر نمود و بسامد بالایی دارد. او به‌طور آگاهانه از مکان در اشعار خود بهره برده است چرا که برای یک شاعر مقاومت عراقی، مکان هویت ملی است و با اشغال آن گویا هویت ملی شاعر از دست رفته است، به همین خاطر تلاش دارد با شعر و قلم، مرهمی بر این زخم عمیق بگذارد. بهره‌گیری شاعر از مکان و کارکردهای آن در مجموعه‌های شعری‌اش گسترده است، به‌گونه‌ای که وی از شاعران مقاومت عراقی است که بیشترین بهره را از مکان در اشعار خود برده و با این عنصر به زیبایی شعر خود افزوده است.

شهرهایی مانند بغداد، سماوه، بصره، اربیل، تکریت، کوفه، کوت، مکه، نجد و بیت المقدس در شعر سماوی بسامد بالایی دارند. اگر در این شهرها تأمل کنیم می‌بینیم که این اماکن نسبتاً در تراژدی کنونی جهان عرب دست ندارند و بیش از آن که باعث یا میزبانی برای آن باشند، چارچوبی برای آن بوده‌اند (بلاوی و آزاد، ۱۳۹۱: ۱۲۶). از همین‌رو، زمانی که شاعر این شهرها را در شعرش ذکر می‌کند، درباره اهالی، مردم و ساکنان آن‌ها و رنج و دردهای آنان سخن می‌گوید. اگر از این شهرها سخن گفته، بدان‌ها استشهاد کرده یا قسم می‌خورد و وجود این شهرها و شکایت اهالی آن‌ها را به یاد همگان می‌اندازد (همان: ۱۲۶).

«یا جُرْحَنَا الْمَمْتَدُّ مِنْ أَرْبِيلَ وَالْبَصْرَةَ / حَتَّى شَفَيْتَ مِيسَانَ / السَّيْفُ مِنْ بَغْدَادٍ / وَالْقَبْضَةُ مِنْ تَكْرِيتَ / وَالجِنَّةُ مِنْ ذِي قَارٍ / هَرَبْتُ مِنْ ذَاكِرَةِ النَّخْلِ / فَمَا لِلنَّخْلِ لِأَيْعَادِ الْقَلْبِ / وَلَا نَافِذَةَ الْأَفْكَارِ» (السماوی،

سماوی با بیان مکان‌های ملی سعی دارد توجه خواننده را معطوف آن مکان‌ها نماید تا وی با تمرکز بر این اماکن، هویت گذشته خود را به یاد آورده، در مسیر رهایی آن مکان‌ها از جنگ اشغالگران گام بردارد. عشق، دلتنگی، نفرت و سوگواری برای مکان از جمله مهم‌ترین انگیزه‌های تمرکزی روی مکان در شعر سماوی است.

۳-۱. عشق‌ورزی نسبت به مکان

عشق، علاقه و احساس یک شاعر نسبت به یک مکان تا حدود زیادی به میزان ارتباط شاعر با آن مکان بستگی دارد. در برخی مواقع حضور حوادث و وقایع در آن مکان سبب می‌شود که شاعر به آن‌ها، تعلق خاطر ویژه‌ای داشته باشد. ممکن است علاقه وافر یک شاعر نسبت به مکانی خاص به دلایلی چون زیبایی‌های طبیعی، خوش خلقی مردم آن و نیز خاطراتی باشد که شاعر در گذشته یا دوران کودکی در آن مکان داشته است. در این اشعار، شاعر به دلیل وجود یک رابطه عاشقانه با معشوقه‌اش یا با خانواده و دوستان دیرینه‌اش و نیز وصال، دوستی، جدایی و وداع با آن‌ها در آن مکان، تعلق خاطر عمیق و وابستگی ناگسستنی نسبت به آن مکان دارد و این مکان تداعی‌گر حضور یک همنشین و یا معشوقه‌ای یا یادآور خاطراتی است که در آن سپری شده است، ولی در گذر زمان، از بین نرفته است (العمیری، ۲۰۰۶: ۳۰).

زادگاه‌های شاعران معمولاً از اماکنی هستند که آن‌ها بدان علاقه وافر دارند. شهر سماوه دیار و زادگاه سماوی، نیز یکی از مکان‌های جغرافیایی است که او به شدت بدان علاقمند است. سماوی در بیان شور و اشتیاق و عشقی که به زادگاهش سماوه دارد، می‌گوید: «جزئیات سماوه در ذهن من حک شده است، به خصوص محله الغربی آن با کوچه‌های تنگ و خاکی و خانه‌هایش که به گوسفندهای یک گله می‌مانند که در راهی باریک به همدیگر چسبیده و راه می‌روند. پدرم در آن‌جا بقال فقیری بود لذا در آن زمان، نمی‌توانستم به رفتن به بغداد فکر کنم، شهری که درباره آن زیاد می‌شنیدم، ولی آن قدر دست نیافتنی بود که گویا در یک قاره دیگر واقع شده بود» (بدوی، ۲۰۱۰: ۱۲-۱۳)

او در جایی دیگر در وصف سماوه می‌گوید:

«من در سماوه بزرگ شدم، شهر کوچکی که اطراف آن پر از باغ و روستاست. خود سماوه نیز چون یک روستا بود... خانه ما که از گل و خشت‌های دست‌ساز ساخته شده بود، در کنار

یک باغ قرار داشت و من بیشتر اوقات کودکی‌ام را به بازی در این باغ مشغول بودم. از درختان خرما بالا می‌رفتم و پیش از آن که شنا بیاموزم و بتوانم در رود فرات شنا کنم، در جوی‌های آب آن‌جا، آب‌بازی می‌کردم. البته رود فرات تنها چند متر با خانه ما فاصله داشت» (همان: ۱۳).

سماوی این خانه گلی پدری‌اش که روزگار کودکی‌اش را در آن گذرانده، در شعرش توصیف می‌کند و با نام لیلی/معشوقه شاعر از آن یاد می‌کند:

وَلَيْلَى لَمْ تَكُن لَيْلَى... وَلَكِنْ أَكْتِي بِأَسْمِهَا حُبْرِي وَمَائِي
وَلَيْلَى غَابَتِي الْعَذْرَاءُ لَيْلَى صَبَاحَاتٌ مُلَوَّنَةٌ الضِّيَاءِ
وَوَيْتٌ فِي السَّمَاءِ وَهُوَ طِينٌ وَخَلٌّ يَنْحِنِي فَرَطَ الْحَيَاءِ
(السماوی، ۲۰۱۰: ۲۲)

لذا زمانی که سماوه را ترک کرده و به بغداد می‌رود، دلش برای آن صفا و سادگی سماوه تنگ شده و می‌گوید: «لماذا تركت السماوة خلفي/ ويممت نحو المقادير خطري/ فكنث الشقيا» (همان: ۶۲)

و زمانی که شاعر پس از مدت‌ها دوری و غربت‌نشینی سرانجام به میهنش بازمی‌گردد تا رحل اقامتش را میان دوستان و آشنایانش در سماوه بیفکند، پس از تقریباً دو دهه غربت‌نشینی در تبعید، چند قدمی بر خاک سماوه راه می‌رود و می‌سراید:

أَنَا فِي السَّمَاءِ.. لَنْ أَكْذِبَ مُقَلَّتِي النَّهْرُ وَالْجِسْرُ الْحَدِيدُ هِدَاتِي
وَهُنَا جَوَارُ الْجِسْرِ كَانَتْ قَلْعَةً حَجْرِيَّةٌ مَكْشُوفَةٌ الْحُجْرَاتِ
هَذَا هُوَ السِّجْنُ الْقَدِيمُ... وَخَلْفَهُ جَهَّةُ الرُّمَيْثَةِ سَاحُ إِعْدَامَاتِ
وَهُنَاكَ بَيْتُ أَبِي... وَلَكِنْ لَمْ يَعُدْ لِأَبِي بِهِ ظِلٌّ عَلَى الشُّرَفَاتِ
(السماوی، ۲۰۰۵: ۶۸)

چشم‌اندازهای متعلق به گذشته در این تصویر «درخت خرما»، «پشت زندان قدیمی» و منطقه «جهة الرُمَيْثَةِ» هستند؛ مناظر قدیمی که به همان حالت قبلی که شاعر در کودکی آن‌ها را می‌شناخت، باقی مانده‌اند. اما مناظر و اماکنی چون «پل قدیم»، «قلعه‌ای که حجره‌هایش پیدا شده بود»، «میدان‌های اعدام»، «خانه پدر» شاعر و «باغ روبروی خانه»

آن‌ها مکان‌های نوستالژیکی هستند که در طول این زمان طولانی که وی از میهن و زادگاهش دور بود، دچار تغییراتی شده‌اند.

سماوی در شعر زیر با اظهار عشق و دلدادگی خود به سماوه، با جان‌بخشی به آن چنین می‌سراید:

السَّمَاوَةُ دُمِي فِي حُجْرَةِ الْكَوْنِ وَ فَرَأَشِي فِي حَدِيقَةِ الْعَالَمِ
(السماوی، ۲۰۰۹: ۱۰۶)

شاعر در جای‌جای دفترهای شعری خود سعی دارد با یاد کردن از شهر و دیارش، هویت خود را به خواننده اعلام کند.

سماوه با طبیعت شگرفش و نیز خاطراتی که شاعر در آن دارد، شاعر را به سوی خود می‌کشد و او علاقه‌اش را به این شهر چنین ابراز می‌کند:

اللَّهُ! مَا أَحْلَى السَّمَاوَةَ... لَيْلُهَا بَاكِي النَّدْوَاةِ ضَاكِحِ النَّجْمَاتِ
اللَّهُ! مَا أَحْلَى السَّمَاوَةَ... صُبْحُهَا صَافٍ صَفَاءَ الضَّوِّ فِي الْمِرَاةِ
فَتَانَةٌ... حَتَّى نَبَاخُ كَلَامَهَا خَلْفَ الْقُرَى يَغْوَى نُغَاءَ الشَّاةِ
(السماوی، ۲۰۰۵: ۷۸)

در این ابیات شاعر سماوه را با شگفتی تمام و زیبایی‌های خیره‌کننده‌اش تصویر می‌کند. زیرا این شهر به درختان نخل و باغ و بوستان‌ها و رودهایش مشهور است. ویژگی‌های طبیعی خاص سماوه باعث گردیده شاعر به تداعی خاطراتش در آن بپردازد و به دلیل عشق و علاقه‌ای که نسبت به زادگاه و گذشته خود در آن دارد، با ذکر نام سماوه و یادآوری خاطراتش در آن، گویا بار دیگر مقیم سماوه شده و در کوچه‌باغ‌های زیبای آن قدم می‌زند و عملاً در آن مکان به‌سر می‌برد.

علاقه شاعر نسبت به مکان در شعرهایش تنها مختص سماوه نیست، بلکه او به مکان دیگری نیز عشق می‌ورزد که برای او به نوعی مدینه فاضله به شمار می‌رود. برخلاف سیاب و نیما که جیکور و یوش، زادگاه‌های آن‌ها تمثیلی از مدینه فاضله آنان است، آن‌چه از لابه‌لای اشعار سماوی نمایان می‌گردد این است که مدینه فاضله وی مکه مکرمه است. از همین‌رو از دیگر اماکنی که سماوی عشق و علاقه خود را به آن نمایان می‌کند، مکه مکرمه، قبله‌گاه عبادی و محط آمال و آرزوهای تمامی مسلمانان است:

أَنَا يَا «مَكَّةُ» مُنْذُ اِكْتَحَلْتِ بِكَ عَيْنَايَ اِكْتَشَفْتُ اللَّقَا

(السماوی، ۲۰۰۳: ۱۴۵)

او بیان می‌کند زمانی که چشمانش به مکه افتاد، عشق واقعی را یافته است؛ چرا که مکه مکرمه پایتخت دینی و اسلامی برای تمامی مسلمانان و مکان امن الهی برای تمام مسلمین است. پایتخت معنوی اسلام برای او حریم امنی است که از عراق بدان پناه برده است. به همین خاطر است که شاعر در سفر خیالی خود، پس از آن که از سلطه حکومت استبدادگران بیزار می‌شود، به مکه مکرمه مشرف می‌گردد و حتی مکه را برای خود پناهگاهی همچون دامان پدر و مادرش می‌یابد:

كُنْتُ لِي -مَكَّةُ- أُمًّا وَأَبَا وَمَلَاذًا... وَرَغِيفًا طَيِّبًا

(همان: ۷۵)

این‌گونه شاعران، به غیر اشیاء مادی که در سرزمین خود باقی می‌گذارند، امور بسیاری را رها می‌کنند و به غربت مهاجرت می‌نمایند. این موارد ممکن است یک رابطه عاشقانه یا صدایی باشد که شبانگهان در نور ماه با آن انس و الفت گرفته‌اند، یا ممکن است ارتباط با درخت نخلی باشد که در آن مکان وجود داشته است و یا ستاره‌ای باشد که در آسمان می‌درخشد، اما آن چه مهم است این است که شاعر با مشاهده همه این موارد و ذکر آن‌ها در شعرش غم و اندوه خود را به کناری می‌نهد.

بَلَى... لَمْ أَلِقْ مِثْلَ عَرَارِ جَبْدٍ وَلَا كِرْحَابِ مَكَّةَ مِنْ رِحَابِ

(السماوی، ۲۰۰۴: ۴۰-۴۱)

او خود را تشنه و اندوهگینی می‌یابد که مایه شادی و سیرابی خودش را در مکان مقدس مکه باید جستجو نماید:

مَا الْعَجَبُ إِنْ بَتُّ الْحَزِينِ الطَّامِي؟ هَلْ بَعْدَ مَكَّةَ مَنَهْلٌ لِأُوَامِ؟

كَانَ الْجُبُورُ مَلَأَتِي وَوَسَادَتِي فِيهَا.. وَنَفْحُ بُخُورِهَا أَنْسَامِي

(السماوی، ۲۰۰۳: ۴۶)

که بیان می‌دارد که اماکن مذهبی و مقدس مکه، تنها پناهگاه وی بوده است، آن‌گاه که قساوت مأموران صدامی وی را مجبور به گریختن از عراق محبوبش کرده است. او دیگر بار با

استفهام انکاری بیان می‌دارد که خاک هیچ جایی جز مکه وجود ندارد که اقامت در آن جا به دلش بنشیند:

هَلْ بَعْدَ مَكَّةَ يُسْتَطَابُ تَرِيٌّ وَبَعِيرَهَا يُسْتَعَذَّبُ الْعَبَقُ

(همان: ۱۱۶)

یا می‌سراید:

لِثَرَابِ مَكَّةَ.. لَا لِضَوْءِ الْأَجْمِ تَأَقُّ الْفُؤَادُ.. وَبَاتَ فِي عَطَشٍ دَمِي
حَسْبِي إِذْ انْتَهَلْتُ تَمِيرَ أَذَاهَا رُوحِي وَقَبْلَ طَرْفِ أُسُودِهَا فَمِي
وَسَعَيْتُ سَبْعًا فِي ظِلَالِ رِحَابِهَا وَخَتَمْتُ تَطَوَّافِي بِرِشْفَةِ زَمَزَمِ
أَلْفَيْتُ أَيَّامِي تَفِيضُ مَسْرَةَ فَكَأَنِّي مِنْ قَبْلُ لَمْ أَتَنْعَمِ

(همان: ۸۸)

۳-۲. احساس نوستالژی و دلتنگی برای مکان

احساس نوستالژی یا غم غربت از اصطلاحات روانشناسی است که بعدها وارد حوزه ادبیات شد. نوستالژی در بررسی‌های ادبی به شیوه‌ای از نگارش اطلاق می‌شود که بر پایه آن شاعر یا نویسنده، در سروده یا نوشته خود گذشته‌ای را در نظر دارد؛ یا سرزمینی را که به خاطر سپرده است با حسرت و درد به تصویر می‌کشد (ممتحن و رجبی، ۱۳۹۲: ۱۶۴). در لغت‌نامه‌های عربی نوستالژی با تعبیری چون «الوطن» و «الحنين إلى الوطن» تعریف شده است (زهران، ۱۹۸۷: ۳۳۱).

شاعر مقاومت آن‌گاه که در پی مهاجرت به کشورهای دیگر پناه می‌برد، دلتنگی‌اش برای مکان‌های گذشته‌ای که بدان‌ها تعلق خاطر دارد، دوچندان می‌گردد. حال این مهاجرت به اختیار شاعر باشد یا به اجبار، تفاوتی نمی‌کند و در هر دو حالت نوعی غم و اندوه و دل‌شکستگی در آن‌ها به‌وجود می‌آید، زیرا این‌گونه شاعران سال‌ها طول می‌کشد با مکان فعلی خود خو بگیرند و به همین دلیل احساسی خنثی نسبت به مکان فعلی دارند و در مکان فعلی با خاطرات گذشته خود زندگی می‌کنند.

احساس نوستالژی سماوی نسبت به وطن و دیار در جای‌جای مجموعه‌های شعری‌اش نمود یافته است. او سعی دارد با یادآوری خاطرات گذشته‌اش در این مکان‌ها هم اندکی از

غم غربت خود بکاهد و هم روح آشفته خود را در فراق مکان‌هایی که روزی خاطرات خوش او در آن رقم خورده است، تسلی بخشد و فراتر از همه این‌ها، این احساسات خودش را به مخاطبانش انتقال دهد. او با بیان زادگاه خود (مکان نوستالژیک) به یاد خانواده (شخصیت‌های نوستالژیک) و روزگار خوشی می‌افتد که در کودکی (روزگار نوستالژیک) در آن به سر برده است: «أبي عاشٍ سبعينَ عاماً وَنَيْفًا/ عَلَى الحُبْرِ وَالتَّمْرِ/ مَا قَالَ أُفٍّ.../ وَلَا صَاحٍ بِالْحَوْفِ تَبَأً.../ وَلمَ يَتَّخِذْ عَيْرَ نَخْلِ السَّمَاوَةِ/ خَلًّا وَفِيًّا!» (السماوی، ۲۰۱۰: ۶۲) شاعر در این اشعار، نخست درباره پدرش و قناعت وی سخن می‌گوید که با وجود فقر و تنگدستی، عزت و شرافت خود را حفظ کرده و هیچ ترس و خوفی در برابر روزگار نداشت و هیچ‌گاه با هیچ بیگانه‌ای دست دوستی نداد و تنها دوستان وی کسانی بودند که میهنی اصیل بودند. تنها دوست وفادار پدرش نخل‌های سماوه هستند که در طول عمر با آن‌ها می‌زیست و امرار معاش می‌کرد. او با یادآوری درختان نخل که در شهر سماوه هستند، به یاد فداکاری‌های پدر زحمتکشش و خصلت‌های نیک و وطن‌پرستانه او می‌افتد و از خاطرات خودش سخن می‌گوید که در آن‌ها، سال‌ها همراه پدرش بوده است، اما اینک شاعر دلتنگ آن مکان و درختان نخل و دوران کودکی‌اش شده، یعنی زمانی که همراه پدرش در سماوه روزگار خوشی داشته است.

يا «سَمَاوَةٌ» قِنْدِيلِي بِهِ عَطَشٌ لِنَجْمٍ لَيْلِكَ... لَوْ عَادَتْ لِيَا لِينَا

(السماوی، ۱۹۹۷: ۱۳۳)

شاعر سماوه را ندا داده، بیان می‌دارد که روح تشنه‌اش همچون چراغی است که از خود نوری ندارد و ستارگان شب‌های سماوه به آن روشنایی می‌بخشند. او عاشق زادگاه خود، شهر و دیاری است که ویژگی‌هایش منحصر به فرد است. شاعر آن‌گاه که دلتنگ سماوه شده و این دلتنگی به اوج خود می‌رسد، با زادگاه خود نجوایی را شروع می‌کند و با او به درد و دل می‌نشیند و آن‌قدر در خیال غوطه‌ور می‌شود که با انسان‌نگاری زادگاهش، مکان را همچون یک موجود زنده می‌یابد و این گفتگو نشان‌دهنده معانی والای انسانی و پیوند انسان با مکان و درآمیختن عالم بشری با مکان است (حبیبی، ۱۳۸۷: ۴۲).

۳-۳. نفرت و انزجار از مکان

شاعران توانایی تصویرسازی‌ها و انسان‌نگاری‌های انواع مکان و محیط‌های جغرافیایی را دارند. نوع این تصویرها و برداشت‌های شاعر از مکان مورد نظر تا حدود زیادی به خاطره شاعر در آن مکان و یا به علاقه و نفرت عامه مردم نسبت به آن بستگی دارد و همان‌گونه که مکان در نزد شاعران محبوب است می‌تواند ناخوشایند و نفرت‌انگیز هم باشد. این مکان ممکن است زندان، سرزمین یا شهر و روستایی باشد که شاعر به اجبار در آن به سر می‌برد، یا مکانی باشد که برای شاعر و دیگران نوعی خطر و حادثه دردناک آفریده است (العمیری، ۲۰۰۶: ۴۳).

از آن‌جا که ابزار بیان تمامی احساسات، اندیشه‌ها و اوضاع و احوال شاعر زبان شعری اوست، شاعران مقاومت نیز در سرایش اشعار خود از این‌گونه مکان‌های نفرت‌انگیز غافل نیستند. سماوی از جمله شاعران مقاومت است که احساسات نفرت‌انگیز خود را از مکان در شعر بازتاب داده است: «مَنْ وَطَنٍ / لَا أَمَانَ فِيهِ! / كَيْفَ لِي أَنْ أُمَيَّرَ / بَيْنَ سَيْفِ عُرْوَةَ بْنِ الْوَرْدِ وَ سَيْفِ هُوَلَاكُو / بَيْنَ عَمَامَةِ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ وَ قُلُنْسُوَّةِ / تَيْمُور لَنْك / بَيْنَ الْحَرِّ الرَّيَاحِيِّ وَ زِيَادِ بْنِ أَبِيهِ / بَيْنَ الْحَلَّاجِ وَ الْحَجَّاجِ / قَدْ اسْتَبَدَّلُوا صُورَةَ الْكُرْسِيِّ / بِآيَةِ الْكُرْسِيِّ / وَ الْحَجْرَ الْأَبْيَضَ بِالْحَجْرِ الْأَسْوَدِ؟» (السماوی، ۲۰۰۹: ۳۹). شاعر در این ابیات، نسبت به نوعی مقایسه میان چیزهای خوب و بد و خوشایند و ناخوشایند اقدام کرده است که در لابه‌لای آن‌ها مکان‌ها نیز به چشم می‌آید. او در ابتدا از ناآرامی عراق امروز سخن گفته و آرزوی برقراری امنیت را در شهر و دیار خود دارد. در یک برداشت دیگر، شاعر اوج نفرت خود را از تمام مکان‌هایی که در آن

استبدادگران بر مسند قدرت و کرسی‌های ظلم و ستم تکیه زده‌اند، اعلام می‌دارد و در پایان اوج این تنفر و احساس ناخوشایند او کاخ سفید است، زیرا که چنین حاکمان گردنکشی در آن جا گرد هم آمده‌اند و همگی با هم، عراق دوست‌داشتنی او را تحت اشغال خود درآورده‌اند.

۳-۴. سوگواری برای مکان

با آن که مکان روح و جانی ندارد، اما در فکر و خیال شاعران همچون انسان زنده‌ای حیات دارد، لذا سوگواری و مرثیه‌سرایی برای مکان زمانی رخ می‌دهد که شاعر به دلایلی به دور از مکان دلخواه خود به سر برده و در فراق آن افسوس می‌خورد. به همین دلیل برای آن سوگواری جانگدازی کرده و از نهاد دل خود، آهی نشان از مرثیه‌سرایی برمی‌آورد (العمیری، ۲۰۰۶: ۴۸).

این نوع سوگواری در ادبیات کهن عربی نزد شاعران مملوکی در رثای بغداد یا دیگر شهرها وجود داشته است، اما در شعر معاصر عربی چنین مرثیه‌هایی برای مکان، بیشتر در شعر شاعران مقاومت قابل لمس است، چرا که آن‌ها جنگ‌های خانمان‌برانداز و نابودی و ویرانی مکان‌ها را به چشم دیده‌اند و قدرت ویرانگری و درنده‌خویی جنگ را بر خانه و سرزمین محبوبشان درک کرده‌اند. این نوع مرثیه‌سرایی برای مکان در شعر سماوی نیز از بسامد بالایی برخوردار است. او با فراخوانی شهرهای عراق، در عزای از دست رفتن آن‌ها نشست و لباس سیاه ماتم به تن کرده است: «یا جُرْحَنَا الْمَمْتَدُّ مِنْ أُرَيْلٍ وَالْبَصْرَةَ / حَتَّى شَفَيْ مَيْسَانَ / السَّيْفِ مِنْ بَغْدَادٍ / وَالْقَبْضَةَ مِنْ تَكْرِيتٍ / وَالْجُبَّةَ مِنْ ذِي قَارٍ / هَرَبْتُ مِنْ ذَاكِرَةِ التَّخْلِ / فَمَا لِلتَّخْلِ لَا يُغَادِرُ الْقَلْبَ / وَلَا نَافِذَةَ الْأَفْكَارِ؟» (السماوی، ۱۹۹۷: ۱۱۰-۱۰۹).

بغداد پس از یورش آمریکایی‌ها، اکنون آن بغداد دوست‌داشتنی که شاعر می‌شناخت نیست. از این‌رو در ابیات زیر، شاعر با تأسفی عمیق بر آبادانی‌ها و حیات بر باد رفته بغداد ناله سر می‌دهد، بغدادی که گل سرسید همه شهرهای مقاوم عراق و پایتخت آن بوده و هست:

هَلْ هَذِهِ بَغْدَادُ؟ كُنْتُ عَهْدْتُهَا تَأْبَى مُهَادَنَةَ الدَّخِيلِ الْعَاقِ

(همان: ۱۶۵)

او از دیدن اوضاع تأسفبار عراق کنونی از صمیم دل اندوهگین و دل‌آزرده است، شهرهای عراق که ویران شدن آن‌ها را اکنون باور ندارد، لذا تجاهل العارف کرده و از مخاطبان سوال می‌کند تا شاید کسی پیدا شود تا به او این اطمینان را بدهد که اشتباه می‌کند و این شهرهای ویران شده، مکان محبوب او عراق نیست، عراقی که در گذشته آن قدر متمدن و آباد و عزتمند بود که بیگانگان با آن که طمع زیادی برای نفوذ در آن داشتند، اجازه دخالت در امور آن را نداشتند، اما اکنون مکانی برای برخورد اراده‌های دولت‌های استعماری شده است. عراقی که اکنون با حضور اشغالگران، گویی فرهنگ و تمدن تاریخی خود را از دست داده و این امر سبب غم و اندوه طاقت‌فرسای او گردیده است.

۴. نتیجه

مکان بیانگر هویت ملی هر فرد و یکی از عناصر شعری است که شاعران در اشعار خود از آن بهره‌گیری می‌نمایند. شاعران با توجه به ساختار فیزیکی مکان و به کمک قوه تخیل و تصویرسازی و خاطرات و حوادثی واقع شده در آن، به آن روح و جان می‌بخشند تا بتوانند اشتیاق، عشق یا نفرت خود را به این مکان‌ها بیان نمایند و آن مکان را در لابه‌لای اشعار خود جاودانه نمایند. البته بهره‌مندی شاعران از این عنصر تا حدّ زیادی به احساسات و عواطف آن‌ها نسبت به آن مکان خاص مربوط می‌شود.

یحیی سماوی شاعر مقاومت عراق یکی از شاعرانی است که از عنصر مکان در اشعار خود به وفور بهره برده است. وی چه در دوران حکومت بعث عراق و چه پس از ورود اشغالگران آمریکایی به عراق، همواره به دفاع از میهن و مبارزه با ظلم و ستم استبداد و استعمار و عاملان آن‌ها پرداخته است، به همین دلیل در راه رسیدن به مقصود خود، از عنصر مکان غافل نمانده و از مکان‌ها و موقعیت‌ها جغرافیایی بهره‌گیری ویژه‌ای داشته است.

عوامل به‌کارگیری عنصر مکان در اشعار سماوی، به چهار عامل اصلی دلتنگی، عشق، نفرت و سوگواری نسبت به مکان مرتبط است که این عوامل تا حدّ زیادی به دوری از وطن و غربت‌نشینی، وجود یک رابطه عاشقانه میان شاعر و مکان و به یاد آوردن خاطرات گذشته و نیز انفعالات شخصی و عاطفی شاعر نسبت به ویران شدن یا دیدن خرابی‌های مکان‌های مورد نظر بستگی دارد.

سماوی در ورای بیان عنصر مکان قصد دارد به مبارزه با ظلم عاملان استبداد و استعمار بپردازد تا از این طریق، هم‌زمان از حکومت بعث عراق انتقاد کرده و هم با اشغالگران آمریکایی مبارزه کند.

منابع

- اعتمادی، محمد، ولد نیک، مراد علی (۱۳۹۴)، «نقد جامعه اشغال‌شده عراق در شعر یحیی سماوی»، همایش ملی ادب مقاومت و هنر.
- آباد، مرضیه، بلاوی، رسول (۱۳۹۱)، «دلالات الألوان فی شعر یحیی السماوی»، مجله إضاءات نقدية فی الأدبین الفارسی والعربی، دوره ۲، شماره ۸.
- _____ (۱۳۹۱)، «موتیف ابوذر غفاری در شعر یحیی سماوی». پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره ۲، ش ۴.
- باقری، بهنام (۱۳۹۰)، «دراسة أسلوبية فی شعر یحیی السماوی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، یحیی معروف، دانشگاه رازی کرمانشاه.
- بدوی، محمد جاهین (۲۰۱۰)، *تجربة العشق والاعتراب فی دیوان قلیلک لا کثیرهن*، دمشق: دار البناييع.
- بلاوی، رسول (۱۳۹۱)، *توظيف الموتيف فی شعر یحیی السماوی*، رساله دکتری، مرضیه آباد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- بلاوی، رسول و علی خضری و مرضیه آباد (۱۳۹۳)، «موتیف استدعاء الشخصيات التراثية فی شعر یحیی السماوی»، ادب عربی، ش ۱.
- بلاوی، رسول، آباد، مرضیه، طالب‌زاده، عباس، عرب، عباس (۱۳۹۱) «موتیف الاعتراب فی شعر یحیی السماوی»، *دراسات فی العلوم الإنسانية*، ش ۳.
- بلاوی، رسول، آباد، مرضیه (۱۳۹۲)، «موتیف رود و دریا در شعر یحیی سماوی»، *دراسات فی العلوم الإنسانية*، دوره ۲۰، ش ۱.
- _____ (۲۰۱۳)، «استدعاء شخصية الإمام الحسين (ع) فی شعر یحیی السماوی»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، دوره ۹، شماره ۲۷.
- _____ (۲۰۱۲)، «استدعاء المدن فی شعر یحیی السماوی»، *نقد و ادبیات تطبیقی (پژوهش‌های زبان و ادبیات عربی)*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه، سال ۲، ش ۶، صص ۱۲۱-۱۳۶.
- الثبیتی، جریدی المنصور (۱۹۹۲)، *شاعریة المكان*، المملكة العربية السعودية: شركة دار العلم للطباعة والنشر.
- جباری، لیلا (۱۳۹۰)، «بازتاب مفاهیم مقاومت در اشعار یحیی السماوی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، عبدالأحد غیبی. دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

حاجی زاده، مهین، ابهن، محدثه (۱۳۹۱)، «نقش قرآن و میراث دینی در اشعار استعمارستیز یحیی سماوی»، *مطالعات ادبی و متون اسلامی*، دوره ۱، ش ۳.

حبیبی، رعنا سادات (۱۳۸۷)، «تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان»، *هنرهای زیبا*، ش ۳۵، صص ۳۹-۵۰.
سرمک حسن، حسین (۲۰۱۰)، *إشکالیة الحدائثة فی شعر الرفض والثناء: یحیی السماوی نموذجاً*، دمشق: دار الینابیع.

حیدری، رضا (۱۳۹۲)، «جلوه‌های مقاومت در اشعار یحیی سماوی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، صغری فلاحتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی تهران.

خانی، سامان (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی عشق در اشعار یحیی سماوی و احمد عزیزی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، یحیی معروف، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه.

رجبی، فاطمه (۱۳۹۲)، «وام‌گیری از قرآن کریم در دیوان‌های شاهده قبر من رخام الکلمات و نقوش علی جذع نخلة اثر یحیی السماوی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، یحیی معروف، دانشگاه رازی کرمانشاه.

زهران، حامد عبدالسلام (۱۹۸۷)، *قاموس علم النفس*، ط ۲، القاهرة: عالم الکتب.

السماوی، یحیی، (۱۹۹۷)، *هذه خیمتی فأین الوطن*، استرالیا، ملبورن: مطبوعات R.M.Gregory.

_____ (۲۰۰۳)، *زنا بق بریة*، استرالیا ادیلاید: د.نا.

_____ (۲۰۰۴)، *الأفق نافلتی*، استرالیا ادیلاید: د.نا.

_____ (۲۰۰۵)، *نقوش علی جذع نخلة*، استرالیا سیدنی: منشورات مجلة کلمات.

_____ (۲۰۰۹)، *شاهدت قبر من رخام الکلمات*، ط ۲، دمشق: التکوین.

_____ (۲۰۱۰)، *لماذا تأخرت دهرًا*، دمشق: دارالینابیع.

شترج، عصام (۲۰۱۰)، *موجیات الخطاب الشعری، دراسة فی شعر یحیی السماوی*، دمشق: دار الینابیع
العمیری، أمل بنت محسن سالم رشید (۲۰۰۶)، *المکان فی الشعر الأندلسی عصر ملوک الطوائف رسالة دکتوره*، مصطفی حسین عنایة، المملكة العربية السعودية، كلية اللغة العربية بجامعة أم القرى.

غالب، هلسا (۱۹۸۹)، *المکان فی الروایة العربية*، دمشق: دار ابن هانیء.

الغرباوی، ماجد (۲۰۱۰)، *تجلیات الحنین فی تکریم الشعاع یحیی السماوی*، الجزء ۱ و ۲، دمشق: دار الینابیع.

غیبی، عبدالأحد، جباری، لیلا (۱۳۹۳)، «یحیی سماوی مظهر آمریکاستیزی در شعر معاصر عراق»، *نقد ادب معاصر عربی*، سال ۴، ش ۸ پیاپی.

القرنی، فاطمة (۲۰۰۸)، *الشعر العراقي فی المنفی السماوی نموذجاً*، الرياض: مؤسسة الیمامة الصحیفة.

محسنی، بلاسم (۱۳۹۲ش)، «التناص القرآنی فی شعر یحیی سماوی»، *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، ش ۲۷.

معروف، یحیی، باقری، بهنام (۱۴۳۶)، «المعجم الشعری عند یحیی السماوی دیوان نقوش علی جذع نخلة نموذجاً»، *اللغة العربية وآدابها*، السنة ۱۱، العدد ۲، صص ۳۲۹-۳۶۵.

- _____ (۲۰۱۲)، «عناصر الموسیقی فی دیوان نقوش علی جذع نخلة لیحیی السماوی»، *دراسات فی اللغة العربیة وآدابها*، دانشگاه سمنان، دوره ۳، ش ۹.
- ممتحن، مهدی، رجیبی، مسلم (۱۳۹۲)، «نوستالژی فلسفه در شعر ابو العلاء معری و عطار نیشابوری»، *مطالعات ادبیات تطبیقی*، سال هفتم، ش ۲۵، صص ۱۶۱-۱۷۸.
- نظری، علی، میرزایی الحسینی، سیدمحمود، عزیزی، نعمت (۱۳۸۹)، «اشغالگری در شعر امروزین عراق (از سال ۲۰۰۳م تا سال ۲۰۱۰م)»، *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، دوره ۶، ش ۱۶.
- نعمتی، فاروق (۱۳۹۴)، «توظیف الفكاهة فی شعر المقاومة المعاصر شعر یحیی السماوی أنموذجاً»، *همایش ملی ادب مقاومت و هنر*.

References

- Abad, M., & Balavi, R. (2012). Implications of Colors in the Poetry of Yahya Samawi. *Critical Illuminations in the Persian and Arabic Literatures*, 2(8). [In Arabic].
- _____ (2012). Motif of Abuzar Ghaffari in the Poetry of Yahya Samawi. *Arabic Language and Literature Translation Research*, 2(4). [In Arabic].
- Badwi, M. J. (2010). *The Experience of Love and Alienation in the Poetry Collection 'A Few, Not Many'*. Damascus: Dar al-Yanabea. [In Arabic].
- Bagheri, B. (2011). A Study of Style in the Poetry of Yahya Samawi. Razi University of Kermanshah. [In Arabic].
- Balavi, R. (2012). *The Use of Motif in the Poetry of Yahya Samawi*. Ferdowsi University of Mashhad. [In Arabic].
- Balavi, R., Abad, M. (2012). Summoning Cities in Yahya Samawi's Poetry. *Comparative Reviews and Literature (Arabic Language and Literature Research)*, 2(6), 121-136. [In Arabic].
- _____ (2013). Motifs of Rivers and Seas in the Poetry of Yahya Samawi. *Studies in the Humanities*, 20(1). [In Persian].
- _____ (2014). Summoning the Character of Imam Hussain in Yahya Samawi's Poetry. *The Iranian Association of the Arabic Language and Literature*, 9(27). [In Arabic].
- Balavi, R., Abad, M., Talebzadeh, A., & Arab, A. (2012). Motif of Alienation in the Poetry of Yahya Samawi. *Journal of Studies in the Humanities*, No. 3. [In Arabic].
- Balavi, R., Khezri, A., & Abad, M. (2014). The Motif of Summoning the Traditional Figures in Yahya Samawi's Poetry. *Arabic Literature*, No. 1. [In Arabic].
- Etemadi, M., & Valad Nick, M. A. (2015). A Review of the Occupied Iraqi Society in the Poetry of Yahya Samawi. *National Conference on Resistance Literature and Art*. [In Persian].
- Ghalib, H. (1989). *Place in the Arabic Novel*. Damascus: Dar Ibn Hani. [In Arabic].
- Al-Gharabawi, M. (2010). *The Manifestations of Nostalgia in Honor of the Poet Yahya al-Samawi* (Vols. 1, 2). Damascus: Dar al-Yanabea. [In Arabic].
- Ghaybi, A., & Jabari, L. (2014). Yahya Samawi, the Symbol of Anti-Americanism in the Contemporary Iraqi Poetry. *Journal of Contemporary Arab Literature*, 4(8). [In Persian].

- Habibi, R. S. (2008). Mental Images and the Concept of Place. *Fine Arts*, No. 35, 39-50. [In Persian].
- Hajizadeh, M., & Mohadeseh, A. (2012). The Role of the Quran and the Religious Heritage in the Anti-Colonial Poems of Yahya Samawi. *Literary Studies and Religious Texts*, 1(3). [In Persian].
- Hassan Sarmack, H. (2010). *The Issue of Modernity in the Poetry of Rejection and Lamentation: A Case Study of Yahya al-Samawi*. Damascus: Dar al-Yanabie. [In Arabic].
- Haydari, R. (2013). Manifestations of Resistance in the Poems of Yahya Samawi, Faculty of Humanities, Kharazmi University, Tehran. [In Persian].
- Jabbari, L. (2011). *Reflection of the Concepts of Resistance in the Poems of Yahya al-Samawi*. Shahid Madani University of Azarbaijan. [In Persian].
- Khani, S. (2015). *A Comparative Study of Love in the Poems of Yahya Samawi and Ahmed Azizi*. Faculty of Humanities, Razi University of Kermanshah. [In Persian].
- Maroof, Y., & Bagheri, B. (2012). Element of Music in Yahya Samawi's Inscriptions on the Trunk of a Palm Tree. *Studies in the Arabic Language and Literature*, 3(9). [In Arabic].
- (2015). The Poetic Diction in Yahya al-Samawi's Diwan Inscriptions on the Trunk of a Palm Tree. *Arabic Language and Literature*, 11(2), 329-365. [In Arabic].
- Mohseni, B. (2013). Quranic Intertextuality in Yahya Samawi's Poetry. *The Iranian Association of Arabic Language and Literature*, No. 27. [In Arabic].
- Momtahn, M., & Rajabi, M. (2013). Nostalgia for Philosophy in the Poetry of Abu al-Ala Ma'ari and Attar Neyshabouri. *Comparative Literature*, 7(25), 161-178. [In Persian].
- Nazari, A., Mirzaei al-Hussaini, M., & Azizi, N. (2010). Occupation of Land in the Contemporary Iraqi Poetry (from 2003 until 2010). *The Iranian Association of Arabic Language and Literature*, 6(16). [In Persian].
- Nemati, F. (2015). The Use of Humor in Contemporary Resistance Poetry: A Case Study of Yahya al-Samawi's Poetry. *National Conference on Resistance Literature and Art*. [In Arabic].
- Al-Omeiri, A. (2006). *Place in English Poetry: The Era of Taifa Kings*. College of Arabic Language, Umm al-Qura University. [In Arabic].
- Al-Qarni, F. (2008). *Iraqi Poetry in Exile: A Case Study of Samawi*. Riyadh: Al-Yamamah Foundation Newspaper. [In Arabic].
- Rajabi, F. (2013). *Borrowings from the Holy Quran in the Diwans "I Saw a Tomb Made of Marble Words" and "Inscriptions on the Trunk of a Palm Tree" by Yahya al-Samawi*. Razi University of Kermanshah. [In Persian].
- Al-Samawi, Y. (1997). *This Is My Tent, So Where Is the Homeland*. Melbourne: R.M. Gregory. [In Arabic].
- (2003). *Wild Lilies*. Adelaide. [In Arabic].
- (2004). *Horizon is My Window*. Adelaide. [In Arabic].
- (2005). *Inscriptions on the Trunk of a Palm Tree*. Sydney: Kalimat Publications. [In Arabic].

- (2009). *I Saw a Tomb Made of Marble Words* (2nd ed.). Damascus: Al-Takwin. [In Arabic].
- (2010). *Why Are You So Late?* Damascus: Dar al-Yanabea. [In Arabic].
- Sherteh, E. (2010). *Poetic Discourse Implications, A Study of Yahya Samawi's Poetry*. Damascus: Dar al-Yanabea. [In Arabic].
- Al-Thabity, J. M. (2013). *The Poetics of Place. Kingdom of Saudi Arabia*: Dar Al-Ilm Printing and Publishing. [In Arabic].
- Zahran, H. (1987). *Dictionary of Psychology* (2nd ed.). Cairo: Alam al-Kutub. [In Arabic].